



۶۰ پاکبان منطقه ۹ و ۱۰ در ایام اربعین، به نظافت شهر نجف کمک کردند

۵۰۴

قلب‌های جاروبه دست



عکس: محمدحسن صلاواتی/شهرآرا

مسیر زندگی لوطی‌های محله خاتم الانبیا(ص)
 از ۱۰ سال پیش، باره اندازی یک هیئت، تغییر کرد

موکب‌داری «اخراجی‌ها»

۶



۲

همسایه به همسایه، دیدار سی و دوم
 خیابان دلاوران ۶

کنار همسایه‌ها غریب نیستم

۷

بازخوانی ازدحام‌های تاریخی زمان انقلاب
 برای شنیدن سخنرانی رهبر شهید
 سیل جمعیت در ضیافت کلام

همسایه به همسایه، دیدار سی و دوم، خیابان دلاوران ۶

کنار همسایه ها غریب نیستم

فهمیده شهری دلاوران ۶ به واسطه وجود ساختمان شهرداری منطقه ۹ معبر رفت و آمد افراد زیادی است که بیشترشان ساکن این خیابان نیستند. شاید به همین دلیل باشد که در نگاه اول، حضور ساکنان به چشم نمی آید. اما وقتی با اهالی گفت و گو می کنیم، می بینیم صمیمیت زیادی بین همسایه ها برقرار است. در این میان حکیمه خانم اشنهدی را خیلی های می شناسند. او به واسطه روابط عمومی خویش، با تعداد زیادی از همسایه ها ارتباط دارد. همچنین پای ثابت جلسات خانگی است و در بسیاری از آن ها دست به کمک است.

●● روی من حساب کن

حکیمه خانم از چهار سال پیش ساکن این محل شده است و با داشتن ۳۵ سال سن، جزو افراد جوان آن محسوب می شود. ارتباطات اجتماعی خوب و نیروی جوانی باعث شده است پای ثابت خیلی از امور باشد. وقتی همسایه ها غذای نذری می پزند، حکیمه خانم برای کمک می رود. همچنین در جلسات قرآن و... برای اموری همچون پذیرایی روی او حساب می کنند.

به گفته خود ش. قرآن خواندن را از همین همسایه ها یاد گرفته است. حکیمه خانم می گوید: خانواده پدری ام در شهرستان هستند و من در مشهد غریبم. تا پیش از اینکه ساکن این محل شوم، با همسایه ها ارتباط برقرار نمی کردم، اما اهالی اینجا این قدر افراد مؤمن و قابل اعتمادی هستند که خدا را شکر ارتباطات خیلی خوبی بینمان وجود دارد و دیگر احساس غربت نمی کنم. او و همسایه هایش به زیارت حرم رضوی یا مکان های تفریحی و بیرون شهر می روند، برای هم تولد می گیرند و بچه ها را به پارک می برند.

همسایه به همسایه

۹

●● حلقه وصل همسایه ها

حکیمه خانم از فرزانه کارگزار به عنوان یکی از همسایه های خوششان یاد می کند و می گوید: فرزانه خانم فردی صبور، مهربان، دلسوز و یک رنگ است. با هم به خرید می رویم، قرار پیاده روی می گذاریم و گاهی از خود رو یکدیگر استفاده می کنیم. به گفته او، اگر ناراحتی ای بین همسایه ها پیش بیاید، فرزانه خانم پادرمیانی می کند. همچنین هر وقت یکی از همسایه ها به عنوان مثال از کربلا بیاید، خانه جدید برود و... فرزانه خانم همسایه ها را هماهنگ می کند که برای آن فرد هدیه ای تهیه کنند و به دیدنش بروند. او می گوید: اگر فرزانه خانم نباشد، شاید خیلی از این هماهنگی ها انجام نشود.

فرزانه خانم که خیلی از همسایه هایش راضی است و از این بابت خدا را شکر می کند، می گوید: ارتباطات همسایگی نباید در حد سلام و علیک باشد. باید در غم و شادی کنار هم باشند و اگر همسایه ای مشکلی داشت، واقعا به درد هم بخورند.

●● کسری ها با مهین خانم

فرزانه خانم از مهین عظیمی به عنوان یکی از همسایه های خوششان نام می برد و می گوید: در برنامه هایی همچون جلسه قرآن یا نذری ها، مهین خانم سریع دست به کمک می شود. اگر ببیند کسری ای هست، می رود از خانه شان می آورد. بارها شده است نیاز به یخ یا وسایلی همچون چاقو و خردکن داشته ایم و او با روی باز پیش قدم شده و آورده است.

او ادامه می دهد: مدتی به علت بیماری در استراحت بودم. مهین خانم مدام احوال پرس می کرد. با اینکه همسرم مرخصی گرفته بود، یک بار ایشان غذا درست کرد و برایمان آورد. این محبت هایش برایم خیلی ارزشمند است.

مهین خانم همسایه خوب را نعمت می داند و می گوید: فراتر از خودمان که به دردم می خوریم، ارتباط ما باعث شده است بچه هایمان هم با هم دوست شوند. به نظر او، اینکه پدر و مادرها می دانند فرزندان با چه کسی ارتباط دارد، مسئله مهمی است. همچنین وقتی بچه ها در خانه یکی از همسایه ها جمع می شوند، علاوه بر اینکه به آن ها خوش می گذرد، خیال پدر و مادرها هم راحت است.



مردم و مسئولان منطقه مادر سامانه ۱۳۷

ریاحی احجت فرقانی، شهردار منطقه ۹، هفته گذشته با حضور در مرکز ارتباط مردمی ۱۳۷، بدون واسطه و طی تماس تلفنی به مشکلات مردم پاسخ داد. این گفت و گو حدود یک ساعت و نیم طول کشید.

۱۳۷

۹

تعداد پیام های مردمی

۱۸ تماس

شهرآرامش پیگیری می کند

شهرآرامش در هفته های آینده، موضوع نیمه کاره ماندن پایانه اتوبوس رانی انتهای بولوار لادن را پیگیری می کند.



حوزه فنی و عمران

درخواست لکه گیری آسفالت معبر نماز ۳۰، از سرگیری پروژه ساخت پایانه اتوبوس رانی انتهای بولوار لادن و بهسازی پیاده روی های معابر هفتم تیر ۱۸ و هاشمیه ۸۷، نصب سرعت گیر در انتهای بولوار لادن و بهسازی آسفالت مسیر رفت و برگشت بزرگراه شهید کلاتنری موضوع شش تماس شهروندان در حوزه فنی و عمران بود.



حوزه فضای سبز

در این حوزه یکی از شهروندان تماس گرفت و درخواست آبیاری درختان بوستان محلی دور میدان حافظ را داشت. دو تن دیگر از شهروندان هم در گفت و گو با حجت فرقانی، مواردی مانند از سرگیری ساخت بوستان محلی لادن ۴۸ و مرمت کفپوش های زمین بازی کودکان در بوستان نرگس را مطرح کردند.



حوزه شهرسازی

یکی از شهروندان تماس گرفت و درخواست رسیدگی به ساخت و سازهای غیرمجاز در خیابان شهید صیاد شیرازی ۲۶ را مطرح کرد.



حوزه خدمات شهری

تعمیر باکس زباله معبر نماز ۳۰، نظافت استخر آب انتهای بولوار لادن که برای آبیاری فضای سبز از آن استفاده می شود اما این روزها به کانون پشه سالک تبدیل شده است، درخواست جمع آوری نخاله های ساختمانی از معبر لادن ۴۸، جمع آوری سگ های ولگرد از انتهای بولوار لادن، درخواست فنس کشی زمین رهشده در معبر نماز ۳۰ و رسیدگی به زمین های رهشده خیابان هفتم تیر ۱۸ از جمله مواردی بود که اهالی با شهردار منطقه ۹ در میان گذاشتند. همچنین دو نفر از شهروندان تماس گرفتند و خواستار رسیدگی به وضعیت مشاغل مزاحم و پرسرو صدا در معبر سرفرازان ۴۰ شدند.

شما می توانید اخبار کوچه و محله تان را در پیام رسان ایتا به شماره ۰۸۵۹۶۴۰۸۵ ارسال کنید.

۱۰



یک سال تلاش برای پذیرایی از زائران

تعدادی از کسبه جوان منطقه ۱۰ از ماه صفر سال گذشته تاکنون هر ماه مبلغی از درآمدها را برای پذیرایی از زائران پیاده امسال کنار گذاشته اند. آن ها می خواهند با سبب زمینی سرخ شده از زائران پیاده دهه آخر صفر پذیرایی کنند. این جوانان با پول های پس اندازشان در حال تدارک روغن، ظروف یک بار مصرف و دیگر مایحتاج این پذیرایی هستند. آن ها همچنین وسیله خرید کردن سبب زمینی تهیه کرده اند تا با سرعت و تمیزی بیشتری این کار را انجام دهند. این جوانان با ارسال نیز این نذری خوش مزه را بین زوار توزیع کردند و این دومین سالی است که مهربانی این میزبانی می شوند.



دختران محله رازی قهرمان می شوند

فهیمة شهری پایگاه حضرت زینب (س) در اندیشه ۱۹، طرح دختر قهرمان، راه انداخته است. این طرح برای کودکان پنج تا یازده ساله در نظر گرفته شده است و مربی گروه، کنار بازی و صحبت، نقطه ضعف های بچه ها را شناسایی و به آن ها در رفع مشکلاتشان کمک می کند. اکنون حدود ۲۵ نفر عضو این گروه دوستانه هستند. افزایش اعتماد به نفس، استقلال، بهبود روابط اجتماعی و خانوادگی از جمله نکات مورد توجه در این جلسات است. دختران عضو گروه، در قبال پیشرفت هایی که دارند، ستاره و جایزه دریافت می کنند.



بازارچه مهربانی مسجد سیدالشهدا (ع)

بانوان فعال فرهنگی و اجتماعی مسجد سیدالشهدا (ع) در محله حجاب، چهارشنبه ها بازارچه برپا می کنند. بیشتر غرفه داران این بازارچه بانوان محلی هستند که دست سازه ها یا محصولات خودشان را برای فروش می آورند. لوازم تزئینی، ادویه، پوشاک و خشکبار از جمله محصولاتی است که ارائه می شود. همچنین کسانی که با روستا ارتباط دارند، خوراکی هایی همچون کشک، آب غوره و لبنیات محلی را برای فروش می آورند. بازارچه مسجد سیدالشهدا (ع) علاوه بر اینکه موجب درآمدزایی و کمک به وضع معیشت بانوان شده، بستر تهیه مواد سالم روستایی را برای اهالی فراهم کرده است.



اجرای دختران محله خاتم الانبیا (ص) برای جاماندگان

بانوان محله خاتم الانبیا (ص) قرار است برای جاماندگان سفر اربعین موکبی در خیابان امام رضا (ع) برپا کنند. بخش عمده فعالیت های این موکب درباره کودک و نوجوان است. آن ها در غرفه کودک از طریق نقاشی و بازی، دغدغه تقویت روحیه حماسی در کودکان را دارند. همچنین قرار است گروه سرود دختران محله، در ساعت های مختلف بیست اجرا برای جاماندگان اربعین داشته باشند. گروه تاثیر محله نیز در این اجتماع شرکت می کند و به اجرای دو تئاتر درباره بچه های میناب و حضرت رقیه (س) می پردازد.

خدمت منطقه ۱۰ به زائران اربعین

تیمی سی نفره از نیروهای شهرداری منطقه ۱۰ به تحف اشرف اعزام شده اند تا در خدمت زائران اربعین باشند. این تیم شامل ۲۷ پاکبان، دو نفر سرکارگر و یک کارشناس می باشد. نیروهای اعزامی از ۳۱ تیر اعزام شده اند. بیشترین پاکبانان زائر اولی هستند و بعد از ثبت نام و قرعه کشی به این سفر مشرف شده اند.

آسفالت به توس ۹۴ رسید

عملیات روکش آسفالت معبر خاکی توس ۹۴ به مساحت چهارصد متر مربع آغاز شده است. این پروژه در قالب نهضت پاسخگویی شهرداری مشهد و باتوجه به درخواست های شهروندان محله خاتم الانبیا (ص) در حال اجراست. شهروندان می توانند درخواست های خود درباره روکش و ترمیم آسفالت معابر را از طریق سامانه تلفنی ۱۳۷ مطرح کنند.

بازگرداندن نور به بوستان ها

به منظور افزایش ایمنی و پیشگیری از خاموشی در بوستان های منطقه ۱۰، از ابتدای امسال تاکنون ۲۵۸ پایه چراغ رفع نقص شده است. طی چهار ماه گذشته نیز ۷۶ پایه چراغ جدید در بوستان های منطقه نصب شده که این اقدام با هدف ارتقای سطح روشنایی، افزایش امنیت و بهبود خدمات رسانی به شهروندان انجام شده است.



۱۰

فهیمة شهری | شهردار منطقه ۱۰ از آماده سازی بزرگراه پیامبر اعظم (ص) برای استقبال از زائران پیاده خبر داد. وحید برجسته نژاد با اشاره به اینکه ۴۰ درصد خودروهای زائران از سمت بزرگراه پیامبر اعظم (ص) وارد شهر می شوند، گفت: تدارکات مختلفی دیده شده است تا زائران پیاده یا خودرویی، سفری امن و معنوی داشته باشند.

وی افزود: تفکیک مسیر سواره از پیاده، ایمن سازی و مسطح سازی مسیر زوار پیاده، لکه گیری آسفالت، جمع آوری نخاله های ساختمانی و سد معبر، اعمال محدودیت مجوز حفاری، بهبود وضعیت فضای سبز و نصب پرچم و پیام های تسلیت، از جمله اقدامات انجام شده برای میزبانی از زائران دهه آخر ماه صفر است.

وی همچنین به وجود سه دستگاه پمپ مه پاش و سه دستگاه حمل پسماند مازاد اشاره کرد و گفت: در پنج سوله ورزشی منطقه امکان اسکان ششصد نفر پیش بینی شده است.



بزرگراه پیامبر اعظم (ص) برای استقبال از زائران پیاده مهیامی شود

**آماده سازی
مسیر عشق**

دودلی میان وظیفه خانوادگی و حضور در اربعین

ساعت ۹ شب که هیاهوی زائران در خیابان های نجف به اوج می رسد، صدای خش خش منظم جاروی آقارحیم در شارع امام علی^(ع) بلند می شود. او از ساعت ۲۱ تا ۶، با هر حرکت جارو، نگاهی به گنبد طلایی می اندازد و زیر لب می گوید: «دمت گرم آقا که من را طلبیدی».

داستان طلبیده شدن رحیم جعفری، از میان یک انتخاب دشوار گذشت. روزهایی که پدر همسرش در میانه یک بیماری سخت بود، او میان وظیفه خانوادگی و دعوت به مراسم اربعین مردد ماند. رحیم زائر اولی است و سال ها برای این سفر چشم انتظار کشیده بود، اما با خودش می گفت اگر بیاید و برای پدر همسرش اتفاقی بیفتد، خانواده اش کم توقعی شان می شود. همین دل نگرانی ها باعث شده بود در پی انصراف از این سفر باشد، اما پدر همسرش او را صدا می زند و می گوید: این وصیت من به تو؛ هراتفاقی هم که افتاد، باید برای خدمت به زائران اباعبدالله^(ع) به سفر اربعین بروی.

با این حال، ته دل رحیم صاف نبود و سرانجام آنچه نمی خواست، روی داد؛ پدر همسرش فوت کرد و روز خاک سپاری او مصادف شد با تاریخ بلیت سفر اربعین. رحیم دل توی دلش نبود که از شهرداری با او تماس گرفتند و گفتند سفت دو روز عقب افتاده است. با شنیدن این خبر مطمئن شد که امام حسین^(ع) او را طلبیده است. این طوری، هم به مراسم کفن و دفن پدر همسرش می رسید و هم افتخار خدمت به زائران اربعین را تجربه می کرد. او همان طور که جارو می زند، می گوید: با اینکه روزی ۹ ساعت در این گرما کار می کنم، اصلا خستگی برابم معنایی ندارد.

رحیم در جواب این سؤال که وقتی چشمت اولین بار به گنبد حرم علی بن ابی طالب^(ع) افتاد، چه آرزویی داشتی، می گوید: برای آمرزش پدر همسرم دعا کردم، چون خیلی دوست داشت من در این سفر باشم؛ حتی به این قیمت که در مراسم خاک سپاری اش حضور نداشته باشم.

۶۰ پاکبان منطقه ۹ و ۱۰ در ایام اربعین
به نظافت شهر نجف کمک کردند

قلب های جارو به دست

رضاریاحی اساعت از ۹ شب می گذرد؛ وقتی سایه ها بلند شده و خستگی روز، بر شانه های زائران سنگینی می کند، اما در کوچه های نجف، داستان دیگری در جریان است. اینجا، شیفت کاری عوض می شود و پاکبانان منطقه ۹ از ساعت ۱۰ شب تا ۶ صبح برای خدمت به خیابان می آیند و بعد، ساعت ۶ صبح شیفت خود را به پاکبانان منطقه ۱۰ تحویل می دهند. در این جابه جایی تقابل زیبایی از میان خستگی و اراده شکل می گیرد. شصت قهرمان از دل مناطق ۹ و ۱۰ شهرداری مشهد، در حالی که ساعت هاست با آفتاب بی رحم نجف مبارزه کرده اند، هنوز در میدان ایستاده اند.

اگر نگاهی به چهره های آفتاب سوخته آن ها بیندازید، گویی در یک «نمایشگاه عکاسی زنده» از مردانگی ایستاده اید؛ مردانی که عرق از سر و رویشان شره می کند و گویی هر قطره این عرق، برای رسیدن به آستان امام حسین^(ع) است. اینجا، روایت انسان های متفاوتی است: از مدیری که پشت میز را برای این خدمت رها کرده، تا آن جوان دهه هشتادی که اولین افتخار کاری اش را در خدمت به خاندان اهل بیت^(ع) می بیند؛ از پاکبانی که بادی پر از نگرانی، فرزند بیمارش را در مشهد به خدا سپرده و اینجا در نجف، با عرق جبین، آرامش زائران را انتخاب کرده است، تا آن کسی که نامش در دقیقه نود در فهرست مسافران اربعین قرار گرفت و شد زائر اولی. این شصت نفر، نه تنها با جارو و سطل، بلکه با «اذن خدمت» از امیرالمؤمنین^(ع) آمده اند تا در میان عرق و گرد و غبار، مسیر عشق را برای زائران اربعین پاکیزه نگه دارند.





از پشت میز نشینی تاکف خیابان های نجف

از شارع امام علی^(ع) که به سمت حرم می روی، انگار در شلوغ ترین کوچه پس کوچه های شهر نجف قدم می زنی؛ جایی که دیگر حتی جای سوزن انداختن نیست. صدای مداحی ها در هم گره خورده و عطر جای عراقی فضا را پر کرده است. قدم به قدم، موکب ها به صف ایستاده اند و با مهربانی، زائران خسته را به استراحت و پذیرایی دعوت می کنند. در میان هیاهوی جمعیت، محمد صادقی ایستاده که از نیروهای سدمعبر شهرداری منطقه ۹ است و ۵۵ سال سن دارد. او می گوید: کلی بالا و پایین کردم تا من را به عنوان پاکبان پذیرفتند. آن هاما می گفتند سن و سال زیاد است و در گرمای خرمایزان نجف طاقت جارو کشی و نظافت را نداری. اما حالا سرکارگرمان از من کاملاً راضی است.

حاج محمد با دستش صدمتر عقب تر ا نشانمان می دهد و می گوید: نگاه کنید! این مسیر را من نظافت می کنم. اگر حتی یک ته سیگار در آن پیدا کردید، جایزه دارید. عادت من این است که پاکاری را قبول نمی کنم، یا اگر قبول کنم، تا تهش می روم.

او درباره اینکه در مشهد پشت میز نشین است و اینجا لباس پاکبانی به تن دارد، می گوید: خدمت به امام حسین^(ع) و زائرش، دکتر و مهندس و کارگر نمی شناسد. بین این بچه ها دکتر هم داریم که سرگاری حمل زباله را می گیرند و این طرف و آن طرف می کشند.

کار برای ابا عبا...^(ع) خستگی نمی شناسد

از میدان ساعت راهمان را به سمت وادی السلام کج می کنیم. بوی نذری یکی از موکب ها که به زائران قیمة می دهد، همه فضا را پر کرده است و آدم را یاد ظهرهای عاشورا در مشهد می اندازد. درست میان این هیاهو، محمد صنعتی که ۲۴ سال از فعالیتش در شهرداری منطقه ۹ می گذرد، با آن لباس فیروزه ای خوش رنگ و جاروبه دست ایستاده است. او به تفاوت کار در مشهد و نجف اشاره می کند و می گوید: کار مادر مشهد خیلی سبک تر است. بیشتر خیابان ها تمیز هستند. اما اینجا سرت را برمی گردانی، دور و برت پر از زباله می شود. با این حال، کار در نجف و خدمت به زائران ابا عبا...^(ع) خستگی نمی شناسد. خدامی داند این ها شعار نیست. من حاضرم به جای هشت ساعت، دوازده ساعت کار کنم. ولی این چند صباح آخر عمرم را همین جا باشم.

او ادامه می دهد: من قبلاً به عنوان گردشگر به عراق آمده بودم. در هتل بودم و فقط گشت و گذار می کردم، اما لذت این سفر را هیچ وقت فراموش نمی کنم. به نظر محمد، خدمت به زائران فقط در پاکبانی خلاصه نمی شود. او توضیح می دهد: اینجا خیلی ها از مائشانی می پرسند. مثلاً می گویند: مسیر کربلا کجاست؟ چطور به قبرستان وادی السلام برویم؟ برخی هم دنبال نشانی بازارها هستند و می پرسند: شارع رسول^(ص) و شارع امام صادق^(ع) و شارع بنات الحسن کجاست؟ خلاصه جارو کشی در نجف باعث شده است به کوچه پس کوچه های اطراف حرم هم آشنا شویم.

حسن انسان دوستی ایرانی ها

خودمان را به وادی السلام می رسانیم تا با گروهی دیگر از پاکبانان کاروان «خدام الحسین^(ع)» هم کلام شویم. کمی که جلوتر می رویم، کاظم حسن پور را می بینیم که از دوازده سال پیش در بخش خدمات شهرداری منطقه ۱۰ فعال است. آقا کاظم دلش کمی غصه دارد. بی مقدمه از فرزند خردسالش می گوید که کمی زبانش می گیرد و از همه التماس دعا دارد. او از ساعت ۶ تا ۱۴، در گرمای ۵۰ درجه نجف، مشغول کار است. نه بیماری جگر گوشه اش، نه گرمایی که نفس را در سینه حبس می کند و نه حجم بی سابقه زباله هایی که زیر پای جمعیت میلیونی روی هم تلنبار می شود، هیچ کدام نتوانسته است اراده اش را بشکند.

او با آرامشی که از ایمانش سرچشمه می گیرد، بی وقفه برای حفظ سلامت زائران تلاش می کند. آقا کاظم که در مشهد کوچه پس کوچه های چهارراه مخابرات را نظافت می کند، می گوید: خدمت در این حال و هوا، بزرگترین آرزوی زندگی ام بوده و هست. اما چیزی که او را به وجد آورده، همکاری ایرانی ها در نظافت خیابان های نجف است: بسیاری از هم وطنان وقتی می بینند دور و بر یک موکب زباله و آشغال جمع شده است، پلاستیک دستشان می گیرند و مشغول جمع کردن ظرف های یک بار مصرف و زباله ها از روی زمین می شوند. این حد از انسان دوستی واقعاً باعث افتخار و مخصوص ما ایرانی ها است.

تأیید نیاست، بین الحرمین را فراموش نمی کنم

سجاد حری، از پاکبان های جوان کاروان خدام الحسین^(ع)، از منطقه ۱۰ به شهر نجف اعزام شده است. سجاد ۲۳ ساله است و نظافت بخشی از شارع امام علی^(ع) را بر عهده دارد. او می گوید: علاوه بر نظافت معابر، تمیز کردن داخل موکب ها را هم انجام می دهیم؛ به خصوص پس از ساعت ناهار که دور و بر موکب ها پر از ظرف یک بار مصرف می شود. از نظر او خدمت به زائران، داخل و خارج موکب ندارد و کمک کردن به موکب داران نیز خدمت به زائران ابا عبا...^(ع) است.

هادی رحیمی دیگر پاکبان منطقه ۱۰ است که اینجا خدمت می کند. او از مهمان نوازی عراقی ها به وجد آمده است و توضیح می دهد: بعضی از این افراد که داخل موکب ها فعال هستند، وقتی می بینند در این گرمای هوا، کوچه و خیابان ها را تمیز می کنیم، به سمتمان می آیند و ما را به داخل موکب دعوت می کنند تا با آب سرد و شربت و غذا پذیرایمان باشند. این برخورد آن ها برای من خیلی جذاب است. هادی می گوید: پیش از سفر نگران بودم که زیارت حرم امام حسین^(ع) و حضرت عباس^(ع) نصیبمان نشود، ولی امام حسین^(ع) همه جور ما را طلبید؛ بلیت رفت به جای نجف، به مقصد بغداد بود و برای همین یک شب در کربلا توقف داشتیم.

او این را افتخاری می داند که اربابش نصیبش کرده است و می گوید: تا دنیا دنیا است، شب جمعه بین الحرمین را از یاد نمی برم.

به خاطر آقا به ما احترام می گذارند

پاکبان های مشهدی کوچه پس کوچه های شارع رسول^(ص) و شارع امام صادق^(ع) را هم نظافت می کنند. در انتهای شارع رسول^(ص) موکبی دیده می شود که بوی خنکای آب دوغ خیارش با گرد و سبزی تازه به مشام می رسد؛ خوراکی که برای ایرانی هایی که زیر آفتاب مرداد ماه گرم نجف راهی این سفر شده اند، گویی مانند هدی ای از آسمان نازل شده است. البته این موکب سیب زمینی و فلافل هم می دهد که صفش به طولانی صف آب دوغ خیار نیست.

کنار موکب، مهدی الیاسی جاروبه دست ایستاده است و کوچه را نظافت می کند. ساعت نزدیک ۱۴ و هوا بسیار گرم است. قصه حضور مهدی در نجف شنیدن دارد؛ وقتی که اسم او به عنوان نفر اول ذخیره درآمد بود و از این موضوع خیلی دلگیر بود. دخترش به مهدی دلداری می دهد و می گوید: غصه نخور بابا، به دلم افتاده که امسال راهی اربعین می شوی. مهدی که زائر اولی است، از زمین و زمان ناامید شده بود. تا اینکه شب پرواز همکارانش به نجف، با او تماس می گیرند و می گویند دو نفر به سهمیه منطقه ما اضافه شده است و تو هم می توانی بیایی. مهدی آقامی گوید: مدتی پیش برای گذرنامه اقدام کرده بودم، خیلی بی دلیل. حالا فهمیدم که خیلی هم بی دلیل نبوده است و امام حسین^(ع) من را برای خدمت به زائرانش طلبیده بود؛ خدمتی که به دل دخترم هم افتاده بود. مهدی همان طور که خیابان را جارو می زند، دستش را به سمت موکب های خیابان شارع رسول^(ص) نشانه می برد و می گوید: عکس آقامی ببینید؛ وقتی می گویند آقا، رهبر جهان اسلام بود، بیخود نیست. باور کنید به خاطر اسم و رسم ایشان به ما هم احترام بیشتری می گذارند.

خداقوت به خادمان نظافت

داستان شصت پاکبان کاروان خدام الحسین^(ع) منطقه ۹ و ۱۰ که در نجف فعال هستند، فقط به چرخش جارو و جمع آوری زباله خلاصه نمی شود. در میان این رفت و آمدها، اتفاقات دیگری هم رخ می دهد که شاید در نگاه اول ساده به نظر برسند، اما برای کسانی که چند روزی را در این خیابان ها سپری کرده اند، به خاطراتی ماندگار تبدیل می شوند. در اینجا، عبور از کنار یک پاکبان، معمولاً با مکتی کوتاه همراه است؛ مکتی برای گفتن یک «خداقوت» ساده؛ گاهی با دست تکان دادن، گاهی با تشکر به زبان خودشان و گاهی با نگاهی لبریز از احترام. مغازه داران و موکب داران هم در این میان، نقش مهمی دارند. گاهی یک بطری آب خنک یا تکه ای نان یا یک ظرف غذای نذری به سمت پاکبان ها روانه می شود و خستگی ساعت ها کار را می شوی و با خودش می برد. گویی در نجف، لباس پاکبانی چیزی فراتر از یک یونیفرم کاری است؛ این لباس، نمادی است که مردم را به قدردانی و تشکر وادار می کند.



راه تجربه

مسیر زندگی لوطی‌های محله خاتم‌الانبیا^(ص) از ۱۰ سال پیش، با راه‌اندازی یک هیئت، تغییر کرد

موکب‌داری «اخراجی‌ها»



فهمیه شهری موکب خاتم‌الانبیا^(ص) در بزرگراه پیامبر اعظم^(ص) ۵۱، از سال ۱۳۹۵ هر سال دهه آخر صفر میزبان چندین هزار زائر است. علاوه بر اسکان، وجود غرفه‌های مختلف خیاطی، اصلاح، واکس، ماساژ، کودک، مشاوره، درمان و... آن را به یکی از ایستگاه‌های محبوب زائران پیاده تبدیل کرده است، اما شاید کمترین بداند که بسیاری از خادمان آن «اخراجی‌ها» هستند؛ کسانی که روزی به قداره‌کشی و... معروف بودند، اما به قول خودشان، با ورود به دستگاه امام حسین^(ع) آدم حسابی شده‌اند و حالا خادم آن هستند.

پشت‌صحنه موکب خاتم‌الانبیا^(ص)

هماهنگ کردن قرار مصاحبه با برپاکنندگان موکب کمی زمان می‌برد. محمدآقای بخت‌رونده که مسئول آن است، می‌گوید: بچه‌های ما اهل دیده‌شدن و صحبت کردن در رسانه نیستند. طبع لوطیگری دارند. به سی نفر گفتم، سه نفر آمده‌اند. برادرش مصطفی آمده و اوستا حبیب رضایی و حسن آقای مداح. اوستا حبیب، خیاط است و غرفه خیاطی موکب را می‌گرداند. حسن آقا به قول خودشان آچارفرانسه است؛ همه کار انجام می‌دهد، اما بیشتر، امور مربوط به نذورات و توزیع غذا را برعهده دارد.

محمدآقا صحبت را می‌برد به ۱۰ سال پیش و تعریف می‌کند: سال ۱۳۹۴ هیئتی در محله خاتم‌الانبیا^(ص) شکل گرفت به همان نام خاتم‌الانبیا^(ص). بسیاری از اعضای آن کسانی بودند که به خاطر لوطیگری هایشان در خیلی از محافل امام حسین^(ع) پذیرفته نمی‌شدند. همین سال ۱۳۹۴ آقا محمد و برادرش، مصطفی بخت‌رونده که از اعضای هیئت هستند، توفیق حضور در پیاده روی اربعین را داشتند. سال ۱۳۹۵ که به دلایلی نتوانستند دوباره به این راهپیمایی بروند، آن قدر دل شکسته بودند که آرام و قرار نداشتند. با خودشان گفتند حالا که نشد برویم کربلا، یک میز بگذاریم و چای و استکان از خانه‌هایمان بیاوریم و پذیرای زائران باشیم.

آدم حسابی شدن اخراجی‌های محله توس

طبع بلندشان باز هم آرام نگرفت. دوست داشتند برای امام حسین^(ع) بیش از این‌ها می‌بگذارند. بعد از زندگی‌های اولیه، موکب خاتم‌الانبیا^(ص) را راه انداختند. اعضای هیئت که فهمیدند، آمدند پای کار. خیلی هایشان همان اخراجی‌های توس و خاتم‌الانبیا^(ص) بودند، اما حضور در هیئت، آن‌ها را چنان متحول کرده بود که دیگر آمین مردم وزائران و عزاداران امام حسین^(ع) به شمار می‌رفتند.



محمدآقا تعریف می‌کند: در همین هیئت فراوان داریم افرادی که روزی زن و بچه و حتی پدر و مادر از دستشان به تنگ آمده بودند، اما حالا می‌بختند. یکی از اعضا چنان دچار اعتیاد بود که پدر و مادرش آرزوی مرگش را داشتند، اما حضور در هیئت امام حسین^(ع) متحولش کرد. مدت هاست ترک کرده و حالا زن و بچه دارد. به قول ما آدم حسابی شده است و خیلی آبرو مند دارد زندگی می‌کند. در حال حاضر هم موکب ما محلی برای اعلام غفوزندانیان است.

اعلام غفو زندانیان در موکب خاتم‌الانبیا^(ص)

برادرش، مصطفی که انگار برای تعریف کردن این موضوع خیلی اشتیاق دارد، رشته کلام را در دست می‌گیرد و می‌گوید: هر سال زندانی‌هایی را که دوست دارند در پیاده روی روز شهادت امام رضا^(ع) شرکت کنند، برای عزاداری و استراحت به موکب ما می‌آورند. خیلی هایشان در زندان امکان ملاقات ندارند. خانواده هایشان هم می‌آیند اینجایان را ببینند. نمی‌دانید چه صحنه‌هایی رقم می‌خورد. گاهی اشک همه‌مان درمی‌آید. هر سال چند نفر از زندانی‌هایی را که عفو می‌خورند، اینجا اعلام می‌کنند. خیلی حال و هوای قشنگی دارد.

حسن آقای مداح که از سال ۱۴۰۰ جزو خادمان ثابت موکب است، ادامه می‌دهد: چندین بار پیش آمده است که شب، وقتی درهای محل اسکان بانوان را بسته‌ام، زائر جدیدی آمده و گفته با وجود خستگی، خودش را به موکب ما رسانده است، چون اینجا احساس امنیت بیشتری دارد و می‌خواسته است شب را اینجا بخوابد.

بی‌شیله‌پيله بودن موکب

او ادامه می‌دهد: چون مادر مسیر ورودی مشهد هستیم، هر سال مسئولان مختلفی برای بازدید می‌آیند؛ فرماندار، شهردار، سرهنگ، قاضی، نماینده‌های مجلس و... این قدر بچه‌های ما صاف و صادق هستند و دلی و مخلصانه کار می‌کنند که خیلی از این‌ها نمک‌گیر همین موکب می‌شوند. گاهی فلان مسئول آمده برای بازدید و چون همان لحظه نیاز به کمک داشته‌ایم خادم‌ها به عنوان مثال گفته‌اند آقا بیا سر این دیگ را بگیر.

در حالی که همگی از بیان این موضوع خنده بر صورتشان نقش بسته است، محمدآقا تلفن همراهش را در می‌آورد و در گالری آن تصاویر مسئولان مختلفی را نشان می‌دهد که در موکب در حال ظرف شستن، چای ریختن و... هستند.

به گفته او، خیلی از مسئولان، بازدید هایشان را می‌روند و آخر سر که می‌خواهند دلی کار کنند، می‌آیند موکب خاتم‌الانبیا^(ص) و می‌گویند اینجا بی‌شیله‌پيله تراست و راحت‌تریم.

موکب‌داری سید جعفر عراقی از کربلا تا مشهد

اوستا حبیب از سید جعفر یاد می‌کند و می‌گوید: یکی از روحانی‌های محلمان در پیاده روی اربعین برای یکی از موکب‌داران عراقی به نام سید جعفر تعریف کرده بود که ما هم در مشهد، ایام دهه آخر صفر، موکب برپا می‌کنیم.

این باعث می‌شود سید جعفر بعد از اربعین که به مشهد می‌آید، غذای نذری برای موکب خاتم‌الانبیا^(ص) بیاورد. اما این قدر از حال و هوای خادم‌ها و موکب خوشش می‌آید که حالا هر سال خودش هم می‌آید در موکب می‌نشیند و نذری‌اش را هم همین جامی پزد. اوستا حبیب ادامه می‌دهد: پارسال هشت گوسفند آورد و حلیم پختیم. به سبک خود عراقی‌ها بالش می‌گذارند و چنان به آن تکیه می‌کنند و زوار را خوشامد می‌گویند که انگار موکب خودش است.

اواز ۱۰ سال پیش یاد می‌کنم می‌گوید: آن زمان برای سیاه پوش کردن موکب، چادرها و روسری‌های مادرانمان را آوردیم و بیرق و شال‌عزارا با این‌ها دوختیم، ولی حالا به لطف امام حسین^(ع) و امام رضا^(ع) هر سال داریم خدماتی بهتر از سال قبل ارائه می‌دهیم.

درب خانه‌هایمان به روی زوار باز است

محمدآقا صحبت او را این‌طور ادامه می‌دهد: چندین حسینی و مسجد و آشپزخانه محل برای پخت غذا و اسکان زائر و... در اختیار ماست. درب خانه‌های همگی مان به روی زوار باز است. گمانم بزرگ‌ترین شام‌غریبان منطقه در شب

شهادت امام حسین^(ع) مال ما باشد. همین امسال حدود بیست علم باجمعی بیش از چهارپنج هزار نفر آمده بودند. دسته روی جاماندگان اربعین را داریم. روزانه بیش از ۱۰ هزار نفر را اطعام می‌کنیم. خدا را شکر خادم امام حسین^(ع) و میزبان زوار امام رضا^(ع) هستیم.

آقا مصطفی می‌گوید: موکب ما با کمک‌های مردمی اداره می‌شود. سعی داریم از هر چیزی اعم از چای، شربت و غذا و... بهترین‌ها را تهیه کنیم. فقط مشکل تأمین سرویس بهداشتی و حمام برای زوار را داریم. چون زمین متعلق به خودمان نیست، نمی‌توانیم در آن سرویس بهداشتی مناسب و در شأن زائر بسازیم. شهرداری گفته است امسال چهار چشمه سیار به ما می‌دهد، اما با این حجم زائری که می‌آید، کم است.

او از خواهران زین‌اوقلی یاد می‌کند و می‌گوید: این زمین مال آن‌هاست. خدا خیرشان دهد، اجازه داده اند هر سال در زمینشان موکب را دایر کنیم.

محمدآقا حرف آخر را می‌زند: در دستگاه ائمه^(ع) مهم شروع کار است. مامی خواستیم یک چای خانه ساده بزنیم، رسیدیم به چنین موکبی. باقی‌اش را هم خودشان درست می‌کنند.



بازخوانی ازدحام‌های تاریخی زمان انقلاب، برای شنیدن سخنرانی رهبر شهید

سیل جمعیت در ضیافت کلام

صندوق
خاطرات

میکروفون و صدلی و... درون همین کابین قرار داشته است.

● در تلاطم عشق و جمعیت

اومی گوید: این کابین را داخل صحن موزه آن زمان قرار می دادند. اما در مواقع سخنرانی افرادی همچون رهبر شهید، جمعیت آن قدر زیاد بود که تا مسافت زیادی در خیابان تهران و حتی روی دیوارها و پشت بام ها حضور داشتند.

این عکاس، فیلم بردار و مستند ساز دوران انقلاب و دفاع مقدس تعریف می کند: در اوایل ریاست جمهوری رهبر شهید، یک روز که قرار بود ایشان در حرم رضوی سخنرانی کنند، سیل جمعیت آن قدر زیاد بود که ماشین ایشان نمی توانست نزدیک بیايد. به گفته او، برای دیگر سخنرانان ماشین تا نزدیک کابین می آمده

فهمیه شهری | حسین مرادیان را با دوربین عکاسی اش می شناسند. جزو عکاسان زمان انقلاب است و صدها عکس از او در مراکز مختلفی همچون بنیاد شهید و آرشیو بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس نگهداری می شود. این شهروند محله لشکر به واسطه حضورش در راهپیمایی ها و میدان جنگ دوران دفاع مقدس خاطرات مختلفی دارد. یکی از خاطراتی که این روزها از آن یاد و عکسش را نظاره می کند، مربوط به سخنرانی رهبر شهید در دوران ریاست جمهوری شان در حرم رضوی است.

● کابین سخنرانان در حرم رضوی

مرادیان در آلبومش عکسی دارد که با چهره ای خندان کنار رهبر شهید نشسته است. این عکس از درون کابین یک تریلی است که در صحن موزه حرم قرار داشته و رهبر شهید در آن سخنرانی کرده اند. او به عنوان عکاس آنجا حضور داشته و چون سپاهی بوده، به گفته خودش جزو اندک افرادی بوده که مجوز عکاسی از چنین مراسمی را داشته است. حسین آقا تعریف می کند: پس از انقلاب خیلی پیش می آمد که به مناسبت های مختلف و بعد از هر راهپیمایی، مردم به سمت حرم رضوی می آمدند و آنجا به طور معمول، یک یا چند نفر سخنرانی هایی برای مردم انجام می دادند.

به گفته او، آن زمان کابین مربوط به بار یک تریلی را به حرم رضوی می آوردند و روی آن را با پرچم، عکس شهدا، شعارهای مختلف و... تزیین می کردند. امکانات سخنرانی همچون



و سخنران از پله های چوبی کابین بالا می رفته و پس از کمی استراحت و پذیرایی ای که داخل کابین انجام می شده، پای میکروفون می رفته و صحبت می کرده است. او ادامه می دهد: آن روز که قرار بود آقای خامنه ای^(۹) سخنرانی کنند، آن قدر جمعیت زیاد بود که ماشین حدود پنجاه متر دورتر از پله های کابین نگه داشت. آقای خامنه ای پیاده شدند، اما سیل جمعیت نمی گذاشت ایشان به محل سخنرانی برسند.

● دست در دست رهبر شهید

او آن روز و رهبر شهید را به گلی روی موج آب تشبیه می کند و می گوید: همان طور که موج آب در یک شاخه گل را حرکت می دهد، حضرت آقا هم در سیل جمعیت همین طور به این طرف و آن طرف می رفتند. مرادیان آنجا بالای پله می رود تا دست حضرت آقا را بگیرد و ایشان را بالا بکشد. او تعریف می کند: چند بار حضرت آقا تا نزدیک پله رسیدند، اما سیل جمعیت ایشان را دور کرد. بار دیگر که نزدیک شدند، دو دوستی ایشان را گرفتیم و کشیدیم بالای کابین.

او صحبت های آن روز ایشان را در خاطر ندارد، اما می گوید: رهبر شهید همیشه مورد استقبال مردم قرار می گرفتند و این استقبال آن قدر زیاد بود که جز عشق، تعبیر دیگری نمی توان برایش به کار گرفت. به نظر او، جمعیتی که برای مراسم تشییع ایشان آمده بودند و این جماعتی که بیش از ۱۵ شب است جبهه خیابان را رها نکرده اند، ریشه در همان عشق دارند.

داستان موفقیت نوجوان محله آب و برق
که اجراهای مهمی در گروه سرود داشته است

در مسیر حرفه ای شدن با «نصر سلمان»

امید محله

● این روزها مداحی هم می کنی؟

من مدت هاست در هیئت «رأس الحسین» هستم. شنبه شب ها بچه ها به هیئت می آیند و برایشان مداحی می کنم. به این رشته علاقه دارم و می خواهم آن را ادامه دهم.

● برای درس خواندن هم مصمم هستی یا

دوست داری راه مداحی را دنبال کنی؟

درسم خیلی خوب است. به رشته الکترونیک علاقه دارم و می خواهم در آینده مهندس برق شوم. به نظرم درس خواندن و هنر مکمل هم هستند.

● پس می خواهی در آینده آقای مهندس مداح شوی؟

(می خندد) بدون شک، اگر خدا بخواهد.

● خانواده ات چقدر در این راه حمایت کردند؟

پدرم هم صدای خوبی دارد و اهل قرائت قرآن است. همین سابقه پدرم باعث شده است درک بهتری از علاقه من به سرود و مداحی داشته باشد. مادرم هم مشوقم است.

● برای هم سن و سال های حرفی داری؟

به نظرم دنبال یادگیری حرفه ای باشند. وقتی کاری حرفه ای باشد، در جامعه دیده می شود. مادر گروه سرودمان بیش از بیست اثر تولیدی داریم که صفر تا صد آن، با شعر، آهنگ ساز و صدای خودمان ساخته شده است. همه ما به «حرفه ای بودن» گروهمان افتخار می کنیم. البته رمز موفقیت گروه «نصر سلمان»، نظم و اخلاق است. دوست دارم از سرپرست گروهمان، آقای سید مصطفی ذبیحی، تشکر کنم.

فقط به استعدادم اکتفا نکردم. در دوره های صداسازی استاد سید مجتبی ذبیحی که سابقه طولانی در زمینه موسیقی و سرود دارند، شرکت کردم و این باعث شد بتوانم بهتر بخوانم. دوسه ماه بعد از فعالیتیم در گروه، اولین تک خوانی ام را تجربه کردم و حالا در پانزده سرود تولیدی گروهمان تک خوان هستم.

● اجراهای مهم گروه، چه بوده است؟

گروه ما در مراسم تشییع آقای شهید در مشهد اجرا داشت. اسم سرودمان «تشییع» بود و من هم تک خوان آن بودم. به جز این، سال ۱۴۰۲ در جشنواره فجر کشوری در رده سنی کمتر از پانزده سال، مقام اول را کسب کردیم. مادر حرم امام رضا^(ع) سرودهای متعددی خوانده ایم و در بسیاری از سازمان ها و ادارات اجرا داشته ایم.



شاهیان اگاهی انتخاب های ما بهترین مسیری را برایمان می سازند که می توانیم در آن بدرخشیم و نمونه باشیم. برای شایان عرفانیان، نوجوان محله آب و برق، نیز چنین اتفاقی افتاده است. او که هنوز کلاس دهم را شروع نکرده است، می تواند از تجربیاتش در زمینه حرفه ای شدن در تک خوانی سرود و مداحی صحبت کند. موفقیت هایی که این نوجوان با انگیزه در کنار هم گروهی هایش کسب کرده، حالا از شایان عرفانیان، نوجوان مصممی ساخته است که با اعتماد به نفس می تواند از مسیر آینده اش حرف بزند.

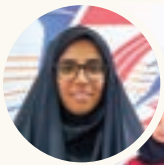
● شایان، چه شد که مداحی را شروع کردی؟

راستش من پیش از مداحی، تئاتر کار می کردم. کلاس دوم دبستان که بودم، در نمایش «چوپان دروغگو» نقش اول را بازی کردم. این نمایش در سطح ناحیه، اول شد. بعد از آن علاقه زیادی به سرود پیدا کردم. پدرم دوست داشت به سمت تواسیح بروم، اما اشتیاق من به خوانندگی و اجرا بیشتر بود.

● احتمالاً با توجه به سنی که

داشتی، در مسیری قرار گرفتی که پدرت می خواست؟

نه اتفاقاً. با همراهی یکی از آشنایان به گروه سرود «نصر سلمان» معرفی شدم. اجراهای این گروه، مذهبی و ویژه مناسبت ها بود. چون علاقه داشتم،



امسال تنها منطقه‌ای که در رده نونهالان مسابقه برگزار کرد، منطقه ۱۰ بود. راضیه موحد که یکی از مربیان تیم نونهالان است، از این بابت تشکر می‌کند و می‌گوید: این مسابقات باعث افزایش انگیزه بچه‌های ما شد.



مریم امینی، نایب رئیس هیئت والیبال خراسان رضوی و ناظر رقابت‌های والیبال بانوان، مهمان ویژه این دوره از مسابقات بود. او می‌گوید: فکر نمی‌کردم سطح مسابقات این قدر خوب باشد. حدود بیست نفر از افراد مستعد را شناسایی کردیم تا در کمپ ملی دعوتشان کنیم.

هفدهمین المپیاد ورزشی بانوان محلات منطقه ۱۰
با معرفی ۶ تیم برتر پایان یافت



رویش گل‌های والیبال‌یست



فهمیه شهری ۱۴۴۰ بانوی والیبال‌یست در هفدهمین المپیاد ورزشی بانوان محلات منطقه ۱۰ گرد هم جمع شدند. در این دوره از مسابقات ۸۵ تیم نونهال و ۴۵ تیم نوجوان در رده‌های سنی ۹ تا ۱۴ و ۱۵ تا ۲۰ سال به رقابت بایکدیگر پرداختند. این مسابقات در سالن ورزشی میثاق برگزار شد و فرصتی ویژه برای ورزش و استعدادیابی در اوقات فراغت تابستان بود. شرکت‌کنندگان ابتدا به طور رایگان در تعدادی از سالن‌های منطقه به تمرین پرداختند و سپس به مدت یک هفته، مسابقات برگزار شد.



این مسابقات در هر رده سنی، سه تیم برتر را معرفی کرد. تیم‌های تلنت، نام‌آوران و بادی ریتم سارا در رده سنی نونهالان و تیم‌های مقاومت خراسان، راسپیناتوس صبا و بادی ریتم حدیث در رده سنی نوجوانان، تیم‌های برگزیده آن بودند.



سعیده غفاریان و ریحانه تهمتن دو مادری هستند که به تماشای بازی دخترانشان نشسته‌اند. به نظر آن‌ها سطح مسابقات نسبت به پارسال خیلی بهتر شده است. البته فراتر از موفقیت ورزشی، آن‌ها از شاد بودن دخترانشان و تقویت روحیه تیمی‌شان خوش حال هستند.